

المام حاتم طیب و دھنائی برای امروز

حجۃ الاسلام والمسلمین علی رهبر

«رَبَّنَا لَا تُغْرِيْنَا بَعْدَ اذْهَبْنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لِدْنِكَ رَحْمَةً أَنْكَانَتِ الْوَهَاب»(۱)
(پروردگاری! قلب هامان را بعد از آن که هدایتمان کردی، منحرف
مساز و از پیش خود رحمتی ببخشای که قطعاً تو بسیار بخشنده ای)
تمام کوشش ها، اسبی و براقی آسمانی دارد که آنها را به سوی
پذیرش خدای، بالا می برد و آن خلوصی است که مهر محبویت بر
آنها می زند. خلوص در نیاشیش زلال و ملتمسانه و در قالبی عجز
آمیز و متضرعانه، جلوه می کند. آنگاه بندگانی رو به نیاشیش
می آورند که از همه سبب ها بریده باشند؛ یا از آغاز چنین بوده اند و
یا بعد از آزمودن سبب نماهایی که نوعاً بسیاری از بندگان را گرفتار
می کند، راهی و مفری به جز بارگشت به خدای مستب نمی بینند.

ای گناه تیره کوه ساز ۵۰
تا بگادم در زمین دنبال نور
تا نمید در تنم درد فنا
تا فراموشم نگردد «بننا»
یک آغوش بی کرانه ای از مهر، چنین بندگانی را در خود می فشارد
که در حدیث قدسی از خدای مهریان آمده است:

«لَوْ عَلِمَ الْمُدْبُرُونَ كَيْفَ اشْتَيَاقِي بِهِمْ لَمَا تَوَشُّقُواً»

بنده گانی که با یکدیگر قهر می کنند، وقتی سخن از آشتنی می رود، می گویند: چه احتیاجی به فلاں دارم که آشتنی کنم؟ ولی خدای هستی آفرین در عین بسی نیازی مطلق، رویگردانی بنده گانی را دوست ندارد و مشتاق آشتنی است. این کریمه قرآنی در اوج ابراز عنایت خدا به بنده گان است:

«وَإِذَا سُئِلَ عَبْدًا عَنِ فَاتِيَّ قَرِيبٍ أَجِيبَ دُعَوَهُ الدَّاعِ إِذَا

رعنان فلیستجعوا لي ولیؤمنوا بى لعلهم برشدون» (٢)

(و هر گاه که بندگان من، از تو راجع به من بپرسند، پس من نزدیکم
و دعای دعاگرش - آنگاه که مرا بخواند - پاسخ می گویم. پس
دعوت مرا اجابت کنند و به من ایمان بیاورند، شاید هدایت شوند.)
در هشت تعبیر می فرماید «من»؛ دقت نمائید:

- ## ۱- عبادی (بندگان من)

- ۲- عنی (از من)

- ۲۳- فانی (همانا من)

- ۴- قریب (نزدیکم)

- ## ۵- اجیب (اجابت می کنم)

- #### ٦- اذا دعان (مرا بخواهید)

- ٧- فلستتحسونا (ياسخ من ابد هيد)

- ٨- ولیه منه ایم (به م: ایمان ساوردید)

شاید همه اینها بدان دلیل است که بندۀ احساس انس کند و رمیدن
دار، ها کند:

به ظلمت زنور خدامی گایزی

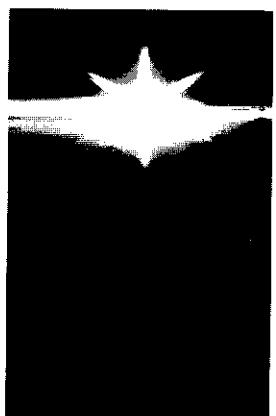
تو لب تسلیه زآب بقا من گریزی؟

زما در بود مهر (بانتر) فدایت

تو جاہل بے قہر از خدا می گریزی؟

اگر من گیریزی (بیگانہ بگریز)

پرا دیگر از آشنا می گردیزی؟



سراپا دردی و محتاج درمان

چرا از طبیب و دوا من گریزی؟

ففرهوا الى الله فرموده یزدان

چرا سوی نفس و هوا من گریزی؟^(۳)

خداؤند بخشی از الهام های کتابش را در قلب نیایش
خاچان بندگان، عرضه کرده است که راه و رسم تقرب را به
همه خواستاران بیاموزد.

امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«... ان عند الله - عزوجل - منزله لاتال الابساله ...»^(۴)

(در پیشگاه خداوند، منزلتی است که جز با خواستن (دعای)

دست یافتنی نیست)^(۴)

این آیات را خوانده اید؟

«قل ما يعثيكم ربی لولا دعائكم ...»^(۵)

(بگو اگر دعای شما نباشد، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی کند ...) از مجموعه آیات نیایشی قرآن چنین بر می آید که:
رشد و کمال ما در گروانس با خدا است و تلاش هایی مقبول حق
می افتد که صبغه و رنگ تصرع و خلوص داشته باشد.

راسخان در علم بعد از «ربنا» عاشقانه از معشوق می خواهند که:

«لاتزع قلوبنا بـ عـدـ اـذـ هـدـيـتـاـ» (قلب هایمان را بعد از آنکه هدایتمان
کردی، از مسیرت و صراطت زیغ و انحراف مده).

شاید پرسشی ذهن شما عزیزان را مشغول کند که خدای هدایت گر
به چه دلیل و چگونه، بعد از فیض هدایت، قلبی را از مسیر بر
می گرداند؟ پاسخ آن در سوره مبارکه صفات آمده است؛ بنگرید:

«... فلما زاغوا از اغـ الله قـلـوبـهـم ...»^(۶)

(پس چون منحرف شدند، خداوند قلب هاشان را منحرف ساخت).

پس «ازاغه» (و منحرف ساختن) از سوی خدا، ابتدایی نیست؛
انحراف بندگان و چموشی های آنها و بی اعتنایی به زمینه های
هدایت، مهر به خود و انهاده شدن را بر طومار انتخاب آنها می زند.

۳- حبیب الله چاچیان.

۴- اصول کافی / کتاب الذعاء / باب

فضل الدعاء / حدیث سوم.

۵- سوره فرقان/۷۷.

۶- سوره صف/۵



مانند تعبیر «خدا گمراه می کند» است که در آیات دیگر آمده است.
برای گمراهی انسان بعد از آن که کفران فراوان از او سرزد، گرفتن
نور هدایت کافی است و کار دیگری، افزون، بر آن ضرورت ندارد:

«وَمَنْ لَا يَجْعَلُ اللَّهَ لَهُ نُورًا فَمَالِهُ مِنْ نُورٍ» (۷)

(و خداوند برای هر کس که نور قرار ندهد، پس او، نوری ندارد)
خدایا! کاری نکنیم که مستحق به خود رها شدن شویم و تو قلب ما
رامهر ازاغه بزنی! بلائی بالاتر از این نیست که حتی به اندازه زمان
به هم خوردن انتهای پلک چشممان، به خود رها شویم فیض
هدایت او بسان الکتریسیته است که باید به طور مداوم برسد، نه
چون آبی که داخل مسیرها می ماند و سر چشمها بسته است.
باید ترس داشت که هدایت اهدایی خداوند، مورد بی مهری قرار
می گیرد و به تدریج از انسان سلب شود.

باید «اهدنا الصراط المستقیم» نماز را در شبانه روز، صادقانه و عاشقانه
گفت و بر آن پای فشرد که تمام اولیای ممتاز خداوند هم چنین
کرده اند و می کنند و تا دامنه قیامت چنین خواهد کرد.
در دعاهای تعقیب نمازها به یاد ما داده اند که بخواهید و بگویید:

«اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عَنْدِكَ ...»

«خدایا از جانب خودت مرا هدایت کن»

هدایت در مورد انسان چند گونه است:

- ۱) گاهی نشان دادن راه از چاه است، مثل: «أَتَا هَدِينَا هَذِهِ السَّبِيلُ...» (۸)
- ۲) و گاهی بعد از انتخاب راه صواب که خدا می خواهد از آن جدا
نشوم. مانند اهدنا الصراط المستقیم

«لَا تَغُرِّبُنَا بَعْدَ اذْهَبْنَا» به دو می برمی گردد که فردی بعد از
برخورداری از نعمت هدایت و آمدن در مسیر درست خدا پرستی،
از خدا می خواهد که اتفاقی نیافتند که مشمول ازاغه و بازگشت به
انحراف شود.

«وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَهً أَنْكَ اَنْتَ الْوَهَابُ» رحمانیت خداوند، شاکر و



۷- سوره نور/۴۰

۸- سوره دهرا/۳۷

کافر و صالح و طالح را زیر پوشش دارد، اما بعد از آن، واکنش بندگان است که رحمت های خاص و لطف های جدید و تازه را جلب می کند.

تقوا پیشگی، ده ها اثر مبارک دارد که شامل برخورداری از نعمت ها و رحمت های مادی و معنوی است:

۱- انْتَقُوا اللّٰهُ يَجْعَلُ لَكُمْ فَرَقَانًا... (۹)

۲- وَمِنْ يَقِنَ اللّٰهُ يَجْعَلُ لَهُ مُخْرِجًا وَيُرْزِقُهُ مِنْ حِيثُ لَا يَحْسُبُ... (۱۰)

۳- وَلَوْا نَّاهِلَ الْقَرِبَىٰ إِمْتَانًا وَالْتَّقَوَا الْفَتْحَنَا عَلَيْهِمْ بِرَبَّاتِ
مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ... (۱۱)

(۱). اگر تقوی الهی پیشه سازید، به شما فرقان عنایت می کند. (بر خورداری از نعمت تفکیک حق از باطل و ...)

(۲). هر کس تقوی الهی پیشه کند، خداوند راه خروج (از بن بستها) به او می دهد و از آنجا که گمان نمی برد، روزیش می دهند ...)

(۳). و اگر اهل آبادی های ایمان می آوردند و تقوا پیشه می ساختند، برکت هایی از آسمان و زمین بر آنها می گشودیم ...)

اینها و ده ها آیه دیگر، فرمول های جلب رحمت است و آنگاه که در قالب نیاش عرضه شود، حال و هوای عاشقانه هم به خود می گیرد. خداوند بسیار هبہ می کند و طالب ایجاد زمینه های رحمت از سوی بنده است.

والسلام

- ۹- سوره انفال/۲۹
- ۱۰- سوره طلاق/۲۳
- ۱۱- سوره اعراف/۹۶